



## مورخان ایرانی دکن

پدیدآورده (ها) : خدایی، محمد زمان

تاریخ :: تاریخ اسلام در آینه پژوهش :: تابستان 1388 - شماره 22

از 73 تا 88

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/452501>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه دولتی اصفهان

تاریخ دانلود : 27/04/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## مورخان ایرانی دکن

محمدزمان خدایی\*

### چکیده

ایرانیان، سرزمین واقع در جنوب شبه قاره هند را دکن می‌نامیدند. گویا از گذشته‌های دور، روابط مستحکمی بین ایران و دکن بوده است که اساطیر و تاریخ ایران از کهن‌ترین ایام تا استقلال هند به طور مستمر به این روابط، اشاره‌هایی دارد. این روابط در عصر ایران اسلامی نیز باقی ماند. اوج این روابط به عصر سلسله صفویه می‌رسد که حکومت‌های شیعه دکن در خطبه‌های نماز جمعه نام شاهان ایران را به عنوان رهبران سیاسی جهان شیعه گنجانیده، دکن را بخشی از امپراتوری صفوی به شمار می‌آورند. طبیعی است که گسترش روابط سیاسی دکن با ایران، چه پیش و چه پس از شرف قبول دین مبین اسلام توسط ایرانیان، منجر به خلق آثار متعددی در خصوص تاریخ این روابط شده است. کلید واژه‌ها: دکن، تذکره الملوک، صفویه، قطب شاهیان و عادل شاهیان.

---

\* عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز. دریافت: ۸۸/۴/۱۳ - پذیرش: ۸۸/۷/۱۷

### مقدمه

ایرانیان به بخش جنوبی هند دکن می‌گفتند. دکن چون مثلثی است که قاعده آن را کوه‌های ویندیا تشکیل داده و دو ضلع دیگر آن در مجاورت اقیانوس هند است. گویا ایرانیان و مردم دکن از قدیمی‌ترین ایام، در کشتی‌های ابتدایی خود باب تجارت را با یکدیگر گشوده بودند. طبق برخی اسناد، تاریخ این روابط به عصر ایلام باز می‌گردد. این روابط در عصر هخامنشیان گسترده‌تر شد و در عصر ساسانیان به اوج ترقی و رشد خود رسید. روابط ایران و دکن در دوره ساسانیان آن‌چنان مستحکم شد که دولت ساسانی برای ابقای پولکسین، شاه سلسله چالوکیا، بسیار کوشید.

این روابط پس از سقوط ساسانیان نیز قطع نشد و ادامه یافت. در واقع، نا آرامی‌های داخلی ایران پس از حمله چنگیز و سپس تیمور و پس از آن جنگ قدرت بین قویونلوها و آق قویونلوها نه تنها موجب کاسته شدن این روابط نشد، بلکه باعث گسترش دامنه نفوذ ایرانیان به دکن شد. ایرانیان در کسوت سرباز، سردار، محدث، معلم، هنرمند و بزرگان علم و اندیشه، عامل تغییرات شگرفی در اوضاع سیاسی - اجتماعی دکن شدند. دکن که پس از حمله علاءالدین خلجی و سپس محمد بن تغلق به روی مسلمانان گشوده شده بود، سرزمینی ایده‌آل برای ایرانیان به شمار می‌آمد.

تشکیل سلسله ایرانی بهمنی و سلسله‌های شیعه ایرانی دکن توسط شاهزادگان قره‌قویونلو طبیعتاً فضایی کاملاً ایرانی در دکن پدیدار ساخت که در آن فضا همه چیز متأثر از فرهنگ و هنر ایرانی بود. در زمینه تاریخ‌نگاری، نتیجه حضور ایرانیان در دکن پیدایش مورخانی بود که گرچه برخی از آنها در ایران شناخته شده‌اند، اما هم‌چنان شماری از آنها ناشناس مانده‌اند.

### ایرانیان در دکن در دوره پیش از اسلام

ایرانیان به بخش جنوبی هند که در جنوب رشته کوه ویندیا<sup>۱</sup> واقع شده است، دکن می‌گفتند. دکن از واژه دکشیناپتا<sup>۲</sup> گرفته شده که به مفهوم جنوب یا قطعه جنوبی است.<sup>۳</sup> این واژه در قبال هندوستان که عموماً به بخش شمالی هند اطلاق می‌شود، مفهوم روشن‌تری به خود می‌گیرد. اگر چه رابطه ایران با شبه قاره هند رابطه‌ای بسیار کهن و ریشه‌دار است، اما متأسفانه رابطه ایران با جنوب هند، یعنی دکن، آن چنان که باید مورد مطالعه قرار نگرفته، حال آنکه بررسی این رابطه کهن و دیرپا از بسیاری جهات حائز اهمیت است و دیرینگی روابط متقابل ایران و هند را روشن می‌سازد. برای شناخت این دیرینگی شایسته است دوران پیش از تاریخ، عصر اساطیری و هم چنین عصر تاریخی ایران در رابطه با دکن مطالعه شود.

بر مبنای مشاهدات باستان‌شناسی، گورهای مشهور به مگالیتیک<sup>۴</sup> یا گورهای گران‌سنگی جنوب هند شباهت زیادی به گورهای سیلک و مارلیک دارد. اما اساطیر، چهره واقع بینانه‌تری از روابط ایران با جنوب هند را در معرض داوری ما قرار می‌دهند. در *گرشاسپ‌نامه* اسدی توسی می‌خوانیم که چون مهراج پادشاه هند از سرکوب بهو،<sup>۵</sup> حاکم دست نشانده خود در دیب یا سریلانکا، برنیامده بود از ایرانیان مدد خواسته و ایرانیان پس از سرکوب و قتل بهو به ایران باز گشتند.<sup>۶</sup>

همچنین مهرهای ایرانی متعلق به عصر ایلام در سواحل غربی و جنوب غربی هند یافت شده است که به روابط تجاری بین ایران و هند در دوران باستان اشاره دارد. ظهور گانش<sup>۷</sup> یا گانپاتی<sup>۸</sup> ایزدی که تن انسانی و سر فیلی دارد یا ایزدی دیگر که چون شیوا<sup>۹</sup> توسط حیوانات محاصره شده و در زمره کشفیات مشهور به برنز لرستان محسوب می‌شوند، اشاره به این روابط بسیار کهن دارد. همین‌طور خط نوشته‌های غار ماسیتی (بندر لنگه در استان هرمزگان). به خطی شبیه خط گجراتی نوشته شده و حاکی از روابط دکن با ایران در گذشته‌های دور تاریخی است.<sup>۱۰</sup>

به نظر پروفیسور سانکالیا<sup>۱۱</sup> ظهور سکه‌های داریوش و دیگر شاهان هخامنشی به همراه النگو و سایر ادوات زینتی یا وسایل خانگی بر روابط ایران با هند در عصر هخامنشی دلالت دارد.<sup>۱۲</sup> با سقوط دولت هخامنشی شمار زیادی از ایرانیان به انگیزه حفظ دین و آیین‌های خود یا به هند مهاجرت نمودند و احتمالاً گروهی از این ایرانیان، هنرمند نیز بودند که برای شاهان سلسله ماوریا<sup>۱۳</sup> کاخی چون تخت جمشید در ماتورا<sup>۱۴</sup> بنا کردند.<sup>۱۵</sup> در عین حال نام تنی چند از این سرداران یا شخصیت‌های حکومت هخامنش ایران چون فرن زاترس و توشاسپ به ما رسیده است.<sup>۱۶</sup> گفتنی است که زنان جنگجوی ایرانی که به نام یساوانی<sup>۱۷</sup> خوانده می‌شدند، حفاظت از شاه و حرم او را به عهده داشتند.<sup>۱۸</sup>

در دوران اشکانیان یکی از مهم‌ترین حوادث حمله سکاها در معیت مهرداد دوم، اشک نهم یا به دستور او به سرزمین هند است. این حمله موجب به کارگیری تقویم سکایی یا مهر اشکانی در هند شد. فرزندان آن مهاجمان اکنون راجپوتان هند را تشکیل می‌دهند.<sup>۱۹</sup> داستان عشقی - حماسی ویس و رامین حاصل روابط این عصر ایران و هند است.

عصر ساسانی دوران وفور منابع اطلاعاتی است که به کمک آن می‌توان تصویر واقع بینانه‌ای از روابط دو کشور ارائه کرد. در این عصر، روابط بازرگانی موجب نزدیکی دو کشور شد و در پی آن، روابط سیاسی نیز بین آنها برقرار گردید. برخی منابع به لشکرکشی ایران به سرندیب در راستای حفظ منافع تجاری ایران در عصر خسرو یکم اشاره دارند.<sup>۲۰</sup> همین منافع پربار بازرگانی بود که در نهایت، موجب جانب‌داری ایران از پولکسین دوم<sup>۲۱</sup> شاه چالوکیا<sup>۲۲</sup> علیه رقبای سلطنتی او شد.<sup>۲۳</sup>

محققان هندی حضور ایرانیان در نقاشی‌های غار شماره ۱۶ اجانتا<sup>۲۴</sup> را شاهی برای روابط ایران با پولکسین دانسته‌اند.<sup>۲۵</sup> در همین دوره است که

مهاجرت مسیحیان ایرانی که به نام مسیحیان سوریائی<sup>۲۶</sup> شهرت دارند، به کراالا استان جنوب باختری هند آغاز شد. اکنون گورهای این ایرانیان که بر صلیب آنها نام و نشان آنها به خط پهلوی ساسانی ذکر شده است، در قبرستان کهن شهر کوچین وجود دارد.<sup>۲۷</sup> در این دوره، سیل مهاجرت زردشتیان ایرانی، به ویژه پس از سقوط ساسانیان به دکن ادامه یافت. این مهاجرت تا عصر ناصرالدین شاه قاجار، به خصوص در سایه جانب‌داری مانکجی هاتریا،<sup>۲۸</sup> زردشتی سرشناس ادامه یافت.<sup>۲۹</sup>

#### ایرانیان در دکن در دوره اسلامی

باید توجه داشت که مهاجران تنها مسیحیان و زردشتیان ایرانی نبودند که در دکن پدیدار شدند، بلکه پس از شرف قبول دین مبین اسلام جمع زیادی از مهاجران را مسلمانانی تشکیل می‌دادند که به دلیل رفتار اهانت‌آمیز و در عین حال، سنگ‌دلانه حکام اموی، عباسی و حتی حکام ایرانی رهسپار هند شدند. آنچه مشوق ایرانیان در مهاجرت به هند بود اعتقاد هندوان به فرهنگ پر بار بهکتی و عشق یا سلوک هندی بود که حق حیات را حتی برای دشمنان خود قائل بودند.<sup>۳۰</sup> شعار هندوان که «جیو اور جینه دو؛ زندگی کن و بگذار دیگران زندگی کنند» باعث شده بود که هند از دیرباز مأمنی برای ایرانیان به رغم اعتقادات مختلف آنها که چه بسا با عقاید و باورهای هندوان در تضاد بود باشد. شماری اندک، اما صاحب نفوذ که به هند مهاجرت کردند صوفیان بودند که نقش عمده‌ای در ترویج اسلام در هند ایفا نمودند. به عبارتی گویا زبان این صوفیان پاک اعتقاد از شمشیر غازیان در گسترش اسلام موثرتر بوده است.

شاید به دلیل همین زمینه‌های تاریخی بود که محمد بن تغلک، دومین پادشاه سلسله تغلک که شخصیتی جدی، پرتلاش و صبور بود هنگامی که خطر نزدیک

شدن امیر تیمور گورکانی را احساس کرده و از سقوط سلطنت خود هراس داشت، پایتخت خود را به دوگیریا دواگیری که پس از آن مدتی قبه‌الاسلام و سپس دولت آباد خوانده شد، منتقل کرد.<sup>۳۱</sup> بعدها و در عصر اورنگ‌زیب، دولت‌آباد به اورنگ‌آباد تغییر نام داد. در اینجا بود که نخستین سلسله ایرانی به نام بهمنی در دکن پایه گذاری شد. علاءالدین حسن، بنیان‌گذار سلسله نسب خود را به بهمن فرزند اسفندیار، شاهزاده کیانی رسانده و بنابراین، سلسله‌ای که بنیاد نهاده بود به بهمنی شهرت یافت.<sup>۳۲</sup> سلسله بهمنی از عوامل اصلی حضور گسترده ایرانیان در دکن بود. به تدریج، شخصیت‌های صاحب نامی در اینجا پیدا شدند که شاخص‌ترین آنها خاندان شاه نعمت‌الله ولی، محمود گاوآن گیلانی، صدر جهان شوشتری و غیره بودند.<sup>۳۳</sup> شاهان بهمنی با دعوت از بزرگان علم و ادب، گلبرگا و سپس بیدر را که پس از دولت‌آباد به پایتختی برگزیده شده بودند، به مراکز علم و ادب تبدیل کردند. گفته می‌شود که سلطان محمد شاه بهمنی از حافظ برای سفر به هند دعوت کرده بود.<sup>۳۴</sup> از دیگر چهره‌های نامدار ادب فارسی باید از حکیم آذری یاد کرد که منظومه بهمن‌نامه یا تاریخ سلسله بهمنی تا عصر احمدشاه را تهیه کرد.<sup>۳۵</sup> بنابراین در چنان جوی که فارسی‌گویی مزیتی در دربار شمرده می‌شد (و البته منجر به بروز اختلافات دامنه‌داری بین درباریان گردید که به دو دسته آفاقی و دکنی تقسیم شدند<sup>۳۶</sup> و در این میان، آفاقی‌ها ایرانیانی بودند که به تازگی به دکن قدم نهاده بودند)، همه چیز، اعم از آداب درباری، هنر، نظامی‌گری و حتی غذاها ایرانی شد.

با روی کار آمدن سلسله آق‌قویونلو در ایران تعقیب، تعذیب و کشتار شاهزادگان قره‌قویونلو آغاز شد و آنها برای حفظ جان خود به دکن گریختند که از این شاهزادگان و بزرگ زادگان، یوسف‌بیگ ساوی، سلسله عادلشاهی، و

سلطان قلی، سلسله قطب شاهی را بنیان نهادند. شماری از شاهزاده خانم‌های قره‌قویونلو نیز از حرم شاهان سنی مذهب نظام شاهی سر برآوردند که از عوامل اصلی تغییر مذهب آن سلسله از تسنن به تشیع شدند.<sup>۳۷</sup>

به هر روی، این دو سلسله به‌ویژه از مبلغان فرهنگ و تمدن ایران در دکن گردیدند. بدیهی بود که دربار آنها محل تجمع بزرگان علم، ادب و هنر ایران در جنوب هند یا دکن شود. این دو سلسله به ویژه با گنجاندن نام شاهان صفوی در خطبه نماز جمعه، خود را به نوعی وابستگان و مریدان خاندان صفوی در هند نشان دادند. حضور رو به تزاید ایرانیان باعث تغییرات شگرفی در تمام زمینه‌های علمی، ادبی، هنری و صنعتی در دکن شد. شاهان این دو سلسله توانستند نوابگی را به دنیای علم و ادب تحویل دهند که به مراتب از همگنان خود در ایران شهرت و توانایی بیشتری یافتند. در این دوران بود که برهان قاطع تدوین شد و شاعرانی، چون نظیری نیشابوری در عرصه ادب پدید آمدند. در هنر خوش نویسی، بزرگانی چون مغیث شیرازی و شاه خلیل‌الله اصفهانی پیدا شدند و نقاشان نامی، چون فرخ بیگ یا فرخ حسین یا فرخ شیرازی دنیای نقاشی را دگرگون نمودند. در عرصه معماری، ریاضی‌دان و معمار شایسته‌ای چون شهناز خان شیرازی بنیان بزرگ‌ترین، زیباترین و در عین حال پر رمز و رازترین بنای جهان یا گل گنبد را ریخته و به کمال رساند.

اما این شاهان از تاریخ‌نگاری نیز غافل نشدند و دوران آنها به دلیل تدوین کتاب‌های تاریخی، حائز اهمیت فراوان است. از آنجا که بسیاری از این کتاب‌ها نزد بزرگان عرصه تاریخ، ناشناس مانده است به، چند اثر مهم را که مبنای کار تاریخ نویسان بزرگ غربی شده است، معرفی می‌کنیم. شاکرم که در مدت اقامت در هند توانستم به بسیاری از دست نویس‌های این مورخان دست یافته و کتیبه‌ها و نقاشی‌های بسیاری از این بزرگان را رؤیت کنم. مهم‌ترین این آثار که سند گویایی از نفوذ ایرانیان در دکن به شمار می‌آید به شرح زیر است.



## مهم‌ترین آثار تاریخی ایرانیان در دکن

### ۱. تذکرة الملوك

نویسنده این کتاب رفیع‌الدین ابن نورالدین توفیق شیرازی حدود سال ۹۴۷ ق (۱۵۱۰ م) در شیراز متولد شد. وی در سال ۱۵۵۹ م به انگیزه تجارت به دهلی و ساگر وارد شده و به فاصله‌ای اندک قدم به بیجاپور نهاد. نظر به نفوذ شیرازیان در دربار عادلشاهیه به خدمت آن سلسله درآمد و به عنوان خوانسالار علی عادل‌شاه یکم منصوب شد. در سال ۱۵۶۱ م، در راستای پاره‌ای مذاکرات سیاسی به عنوان مأمور ویژه به احمدنگر، پایتخت نظام شاهیان عزیمت کرد. رفیع‌الدین نگارش تذکره را در ۱۹ رمضان سال ۱۰۱۷ ق آغاز کرد و در ششم جمادی الثانی سال ۱۰۲۴ ق در نورس‌پور به اتمام رسانید.<sup>۳۸</sup>

تذکره، منبع بسیار خوبی برای شناخت سلسله‌های عادل‌شاهی و قطب‌شاهی و روابط موجود بین حکومت‌های دکن است. در خصوص قطب‌شاهیان علاوه بر اطلاعات سیاسی، آگاهی‌هایی در مورد بنای شهر حیدرآباد و کاخ‌های آن، همچنین درباریان صاحب نفوذ، در این اثر آمده است. دست‌نویس این کتاب به شماره Mss.No.1081 در کتابخانه آصفیه شهر حیدرآباد هند ثبت شده است.

### ۲. برهان مآثر

نویسنده این کتاب سیدعلی‌بن عزیزالله طباطبا از ایران به گلکنده وارد شده، به خدمت ابراهیم قطب‌شاه (۱۵۵۰-۱۵۸۰) درآمد و در محاصره قلعه نالدورگ<sup>۳۹</sup> شرکت کرد. وی پس از مدت کوتاهی ترک خدمت قطب‌شاه کرده، به خدمت برهان نظام‌شاه در آمده و کتاب خود *برهان مآثر* را به نام وی نوشت.<sup>۴۰</sup> کتاب وی به سه طبقه تقسیم شده است. در این کتاب اطلاعات خوبی در خصوص سلاطین بهمنی و سلسله‌های پنج‌گانه‌ای که از فروپاشی سلسله بهمنی پدیدار شدند، داده شده است. این کتاب برای شناخت روابط بین سلسله‌های دکن از

منابع خوب و معتبر به شمار می‌آید. نگارش این کتاب در سال ۱۵۹۲م پایان یافته و در سال ۱۹۳۸م توسط مطبعه جامع ملی هند چاپ شده است.<sup>۴۱</sup>

### ۳. حدیقه السلاطین

بی‌اغراق این کتاب مهم‌ترین اثری است که در خصوص جامعه‌شناسی و فرهنگ دکن تهیه شده است. تنها اطلاعی که از نویسنده کتاب میرزا نظام الدین احمد گیلانی داریم این است که وی توسط ابن‌خاتون، پیشوای سلطنت یا رئیس‌الوزرای مشهور قطب شاهیان به نگارش این کتاب مأمور شده است.<sup>۴۲</sup> این کتاب در خصوص سلطنت عبدالله قطب شاه است و حوادث عصر وی را از تولد او تا سال نوزدهم سلطنت وی به رشته تحریر درآورده است. کتاب در واقع به صورت روزنامه‌ای است که حوادث عصر عبدالله قطب‌شاه را بر مبنای تاریخ ذکر می‌کند. اشکال این کتاب این است که وی عبدالله را شاهی مقتدر ذکر می‌کند، حال آنکه پس از امضای انقیادنامه، عملاً شاه فرودست اورنگ زیب شده بود. البته در مورد دیگر حوادث مشروحه می‌توان به صحت اخبار آن اطمینان داشت، به‌ویژه در شیوه حکومت و موقعیت روحانیون اثری قابل اعتماد است. برای مثال، نویسنده مراسم محرم را به طور کلی و جامع شرح می‌دهد. همچنین از میلاد پیامبر ﷺ یاد کرده، می‌نویسد که به رغم اعتقادات مختلف مردم آنها در این مراسم شرکت می‌نمودند. وی به بنای شهر حیدرآباد و نیز باغ‌ها، بازارها و کاخ‌ها به طور مشروح اشاره می‌کند. او به وظایف اعضای دولت از پیشوا تا وزیران و همچنین تأسیس سازمانی به نام مجلس دیوان‌داری (نخست وزیری) اشاره می‌کند. همین‌طور شرح کاملی از چگونگی قانون‌گذاری ارائه کرده و به فعالیت روزانه حکومتی، مدارج حکومتی، چه در نیروی نظامی و چه در واحدهای غیر نظامی اشاره می‌نماید. کتاب به دلیل تشریح روابط موجود بین هندوها و مسلمانان از منابع بسیار خوب تلقی می‌شود. این کتاب به شماره Mss.No.368 در کتابخانه موزه سالار جنگ حیدرآباد ثبت شده است.

## ۴. حدیقه السلاطین فی کلام القوالین

نویسنده این کتاب علی بن طیفور بسطامی به همراه پدرش ملاطیفور بسطامی و دو برادرش زین العابدین و ابراهیم در زمان سلطنت عبدالله قطب‌شاه به گلکنده وارد شد. علی بن طیفور در زمینه‌های مختلف علمی تبحر داشته و کتاب‌های بسیاری در موضوعات مختلف نوشته و شماری کتاب را از عربی به فارسی برگردانیده است.<sup>۴۳</sup> وی کتاب خود را در سال (۱۰۹۲/ق ۱۶۸۱م) و در زمان آخرین شاه سلسله قطب‌شاهی، ابوالحسن تانا شاه نوشت. کتاب وی در سه حدیقه و هر حدیقه به طبقاتی تقسیم شده است. بسطامی در این کتاب، شرحی در خصوص هنرمندان، شعرا و علمای عصر خود نوشته و به نامه‌نگاری‌های شاهان صفویه با قطب‌شاهی، و قطب‌شاهیان با دیگر حکومت‌های دکن اشاره می‌کند. دست‌نویس این کتاب به شماره Mss.No.219 در کتابخانه موزه سالار جنگ ثبت شده است.

## ۵. مآثر قطب‌شاهی

این کتاب توسط محمدبن عبدالله نیشابوری در خصوص سلطنت محمد قطب‌شاه (۱۰۱۳-۱۰۲۷ ق / ۱۶۱۲-۱۶۲۶م) نوشته شده است. وی که در عصر محمدقلی قطب‌شاه به گلکنده وارد شده بود تا آخر عمر در آنجا باقی ماند. او در زمره دبیران دربار و به تدریج به مقامات عالی رسید و نوشتن تاریخ عصر محمدشاه به او سپرده شد.<sup>۴۴</sup> این کتاب به شرح حوادث عصر محمدشاه، چه حوادث داخلی و چه حوادث خارجی پرداخته و اطلاعات مهمی از این دوره، به خصوص درباره روابط قطب‌شاهیان با دولت صفویه دارد. نشر کتاب اگر چه سنگین و دشوار است، اما به دلیل ارائه تاریخ دقیق حوادث، اهمیت ویژه‌ای دارد. این کتاب به شماره Mss.211 در کتابخانه موزه سالار جنگ در حیدرآباد هند ثبت شده است.

### ۶. فتوحات عادل شاهی

نویسنده این کتاب، فزونی استرآبادی در عصر ابراهیم عادل‌شاه دوم به بیجاپور وارد شده، در زمره منشیان درباری درآمد.<sup>۴۵</sup> محمد عادل‌شاه که به توان‌مندی ادبی و تاریخی وی پی برده بود او را به نگارش تاریخی از عادل‌شاهیان مأمور کرد. وی کتاب خود را در سال ۱۰۴۲/ق ۱۶۴۱م به اتمام رسانید. این کتاب بر مبنای حوادث تاریخی تدوین و به شش فصل تقسیم شده است. چهار فصل نخست کتاب در خصوص حوادث عصر شش‌شاه نخستین سلسله و دو فصل آخر در خصوص حوادث عصر ابراهیم عادل‌شاه دوم و محمدشاه است. از آنجا که نویسنده خود شاهد حوادث این عصر بوده، گزارش‌های او اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند به عنوان منبعی مورد اطمینان مورد استفاده قرار گیرد. این کتاب اطلاعات ارزشمندی درباره روابط خارجی عادل‌شاهیان دارد. و حوادث رخ داده بین بیجاپور، تیموری، احمدنگر، ویجی‌نگر و قطب‌شاهیان را به خوبی ترسیم می‌کند. شیوه نگارش این کتاب چون دیگر تاریخ‌های هند که به فارسی نگاشته شده، با رعایت اسلوب سنگین ادبی است. اصل کتاب در موزه انگلیس است، اما متن اردو، فارسی و انگلیسی آن در هند به چاپ رسیده است.

### ۷. بساتین السلاطین

این کتاب که در سال ۱۸۲۵م توسط ابراهیم زبیری با استفاده از کلیه کتاب‌های موجود در خصوص سلسله عادل‌شاهیه به رشته تحریر در آمده بود در سال ۱۸۳۰م به زیور طبع آراسته شد که یکی از مجلدات آن اکنون در اختیار اینجانب است. گرچه این کتاب آخرین کتاب در مورد خاندان عادل‌شاهی است، اما نویسنده با دقت و پشتکار قابل تقدیری نکات گنگ تاریخ عادل‌شاهی را بازبینی کرده، توضیحات لازم درباره بسیاری از حوادث آن عصر را ارائه می‌کند. به طور مثال با تکیه بر نوشته رفیع‌الدین شیرازی، یوسف عادل‌شاه را تنها امیرزاده‌ای از

ساوه دانسته که دست تقدیر بر او قبای سلطنت پوشانده است. همچنین قتل سکندر را با دقتی زاید الوصف، نتیجه ترس اورنگ زیب از محبوبیت وی در میان مردم می‌داند. در خاتمه نیز با هنرمندی، رفتار فریب‌کارانه اورنگ زیب را نکوهش می‌کند. این کتاب در زمره بهترین منابع شناخت دولت عادل‌شاهی است.

#### ۸ گلشن ابراهیمی (تاریخ فرشته)

نویسنده این تاریخ که گاهی نیز گلزار ابراهیمی خوانده شده، محمدقاسم فرشته است. وی که احتمالاً در سال ۹۶۰ ق/۱۵۵۲ م در استرآباد متولد شده بود، در اوان نوجوانی با پدر به احمدنگر مهاجرت کرد و پس از چند سال خود در زمره دبیان درآمد. با ناآرامی‌های احمدنگر که پیامد جنگ قدرت در آن سرزمین بود، در سال ۱۵۹۱ م به بیجاپور مهاجرت کرد. در آن زمان از عمر وی ۳۹ سال می‌گذشت و احتمالاً دبیری ورزیده و سیاست‌مداری شناخته شده در دربار احمدنگر بود که به سادگی در زمره دوستان و مصاحبان شهنوازخان شیرازی در آمد. احتمالاً وی نگارش تاریخی را در احمدنگر آغاز نموده و شهنوازخان که به این امر واقف بود وی را به ابراهیم عادل‌شاه دوم معرفی کرد. گفته می‌شود که ابراهیم با ارائه نسخه‌ای از *روضه الصفاى خواندمیر* به فرشته، او را به نگارش تاریخی در خصوص تاریخ هند و از جمله عادل‌شاهیه ترغیب نمود.<sup>۴۶</sup> چنین بود که فرشته، نگارش تاریخ خود را آغاز کرد و در سال ۱۶۰۶ م به اتمام رسانید. البته بعدها حوادث تاریخی تا سال ۱۶۲۳ م به آن کتاب افزوده شد. از جمله نکته‌های مثبت کتاب این است که وی بی‌دلیل به مدح خاندان عادل‌شاهی، به‌ویژه ابراهیم که کتاب را به نام وی نوشته، بر نمی‌آید. همچنین این کتاب، نخستین تاریخ جامع در خصوص حکومتگران هند است. البته کتاب او عاری از خطا نیست. به طور مثال با خلق داستانی که نژاد شاهان عادل‌شاهی را به خاندان سلطنتی عثمانی مرتبط و مربوط می‌سازد و این کتاب را به این دلیل نوشته که

تباری شاهانه برای این خاندان خلق و آنها را برتر از دیگر خاندان‌های حکومتگر هند کند، دچار اشتباه غیرقابل بخششی شده است. به همین صورت در ذکر خاندان قطب شاهی از رابطه محمدقلی با زنی هرجایی به نام باگ متی<sup>۱۷</sup> نقل می‌کند که بسیاری از محققان بنام هند درباره او تردید کرده‌اند. به رغم تمام این اشکال‌ها، گزارش‌هایی که نویسنده خود نویسنده شاهد آن بوده است، موجب شده تا این کتاب، منبع بسیار مهم و مطمئنی برای تاریخ عادل‌شاهی به شمار آید. این کتاب بارها به زبان‌های مختلف از جمله اردو، فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده است.

### نتیجه

امتداد ارتباط فرهنگی - تجاری ایرانیان با سرزمین دکن تا دوره ایلامی‌ها نیز رسیده است. این روابط در دوره باستانی تاریخ ایران به قدری تقویت شد، که در نهایت، نفوذ سیاسی - نظامی ساسانیان را در این منطقه در پی داشت. با سقوط ساسانیان و مهاجرت بسیاری از ایرانیان به دکن، ایرانیان به یکی از مهم‌ترین اقلیت‌های خارجی دکن تبدیل شدند. این اقلیت مهاجر که پس از مدتی، دین اسلام را مجدانه همراه با صوفیان پاک‌اندیش تبلیغ می‌کردند، به مرور زمان، نفوذ سیاسی قابل ملاحظه‌ای در دکن به دست آوردند. این نفوذ سیاسی در نهایت به تأسیس سلسله‌های ایرانی نسب در دکن منجر شد. سلسله‌های ایرانی نسب دکن در ادامه این زنجیره و در جهت توسعه علمی و فرهنگی زبان پارسی که نوعی مشروعیت سلطنت نیز برای ایشان پدید می‌آورد، به حمایت از شعرا و ادیبان و تاریخ نگاران پرداختند. آخرین گروه این افراد، یعنی تاریخ نگاران، در پی حمایت پادشاهان محلی و حتی پادشاهان ایران‌دوست گورکانی بهترین آثار تاریخی ابتدای دوره سانس هندوستان را پدید آوردند؛ آثاری که به عقیده بسیاری از تاریخ نگاران داخلی و خارجی هندوستان معتبرترین کتاب‌های تاریخی زمان خود در باره تاریخ هندوستان هستند.

بی‌نوشت‌ها

1. Vindya.
2. Dakshina Patta.
3. Dr. Sadiq Naqvi, *The Iranian Afaquis*, U.G.C. 2003, New Delhi INDIA.z , P.120
4. Mega Litique
5. Baho
6. Hasan. Hadi, *The History of Persian Navigation*. Methuen and co Landon, 1928, P.3.
- 7 ganesh
- 8 ganpati
- 9 shiva
۱۰. احمد اقتداری، آثار و بناهای تاریخی خوزستان، ص ۶۵۴-۶۵۵. برای آگاهی بیشتر از این خط نوشته‌ها، رک: احمد اقتداری، بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان.
11. Sankalia.
12. Sankalia. H.D. *Iranian influence on early Indo Pakistan Culture*. Indica. No.6, 1969 , p 88.
- 13 Mauria
- 14 Matura
۱۵. یکتایی. مجید. فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین هند و پاکستان، انتشارات اقبال، سال ۱۳۵۳، ص ۴۰.
16. Mahagan. V.D. *History of India*. Chand Publication. New Delhi 1985. P. 142.
17. Yawani.
18. Ibid. P. 143.
19. Ibid. P. 195.
20. Hasan. Hadi, P.67.
21. Pulkasin II
- 22 Chalulya
23. Ibid. P. 80.
24. Ajanta
25. Ibid. P. 88.
26. Syrian/Christians
27. Smith. Vincent, *South Indian Inscriptions Mysore*.1930. P. 47.
28. Manikji Hateria
۲۹. مجید یکتایی، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین هند و پاکستان، ص ۱۱۷.
۳۰. برای اطلاعات بیشتر رک: داریوش شایگان، ادیان و مکتب های فلسفی هند.
31. Naqvi. S. *The Iranian Afaquis*. P. 59.
32. Sherwan. H.K. *Bahmanis of the Deccan*. Hyderabad. 1953. P.7.
33. Yazdani. G. P. 9.
۳۴. علی اصغر، حکمت، سرزمین هند، ص ۵۴.
۳۵. محمدزمان، خدایی، نامنامه فارسی، ص ۵۸.
36. Naqvi. S. *The Iranian Afaquis*, p15 – 22.
37. ibid , p 166.
38. Khodae , *Persian elements in the culture art of bijapur*.PhD Thesis. p 12.
39. Naldurg
40. Ibid. p 11.
41. Naqvi. S. *The Iranian Afaquis*, p 8.

۴۲. نسخه خطی موزه سالار جنگ حیدرآباد هندوستان.

۴۳. نسخه خطی نگارنده، چاپ سنگی، ص ۸۷

۴۴. نسخه خطی نگارنده، چاپ سنگی، ص ۵۴.

۴۵. ابراهیم زبیری، بساطین السلاطین، ص ۲۲۰.

۴۶. نسخه خطی نگارنده، چاپ سنگی، ص ۱۳.

47. Bhagmati.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



### منابع

- اقتداری، احمد، آثار و بناهای تاریخی خوزستان، تهران، موسسه فرهنگی نشر اشاره، ۱۳۷۵.
- اقتداری، احمد، بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تهران، انجمن آثار علمی، ۱۳۵۵.
- حکمت، علی اصغر، سرزمین هند، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
- خدایی، محمدزمان، نامنامه فارسی، اهواز، معتبر، ۱۳۸۶.
- زبیری، ابراهیم، بساطین السلاطین، بی جا، چاپ بیجاپور، ۱۸۲۵ م.
- شایگان، داریوش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- علی بن طیفور بغدادی، حدیقه السلاطین فی کلام القوالین، نسخه خطی نگارنده.
- فزونی استرآبادی، فتوحات عادل شاهی، نسخه خطی نگارنده.
- یکتایی، مجید، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین هند و پاکستان، تهران، اقبال، ۱۳۵۳.
- Hasan. Hadi, *The History of Persian Navigation*. Methuen and co Landon, 1928
- Khodae , *Persian elements in the culture art of bijapur*. PhD Thesis.
- Mahagan. V.D. *History of India*. Chand Publication. New Delhi 1985.
- Naqvi. S. *Iranian Afaquies contribution the Qutb Shahi and Adel shahi Kingdoms*, University Grant Commision New Dehli , first Edition , press 2003.
- Nayeem. M.A, *External Relations of the Bijapur Kingdom*. Bright Publishers, Hyderabad, INDIA. 1934.
- Sankalia. H.D. *Iranian influence on early Indo Pakistan Culture*. Indica. No.6, 1969.
- Sherwan. H.K. *Bahmanis of the Deccan*. Hyderabad. 1953.
- Smith. Vincent, *South Indian Inscriptions Mysore*.1930.